

یاران روحانی با تقدیم تحیات امنع ابھی

بیت العدل اعظم الہی در بیانہ رفاه انسانی توجہ مارا بہ یکی از مشکلات موجود در عالم انسانی کہ خود سرمنشأ بسیاری از مسائل است جلب نموده و می فرمایند:

"تأکید بر اینکہ ہر انسانی باید از آزادی اندیشہ و عملی کہ لازمہ رشد فردی اوست برخوردار باشد سرسپردگی بہ مسلک فردگرایی را توجیہ نمی کند، مسلکی کہ بسیاری از جنبہ ہای زندگی معاصر را عمیقاً بہ فساد کشیدہ است."

این برنامه بہانہ ایست برای تأمل در یکی از مفسدہ برانگیزترین خصائص انسان در دنیای مدرن یعنی، فردگرایی، توجہ بیش از پیش بہ نیازہای خود، منفعت طلبی و غفلت از نیازہای سائرین، خودخواہی و بی توجہی بہ رنج دیگران.

امیدواریم تأمل در ہدایات موجود و گفتگو پیرامون آن، کمک کند تا بہ این سؤال پاسخ دہیم کہ:

خودپسندی چگونه پیوندہای انسانی را تضعیف میکند؟

جانتان خوش باد

بیت العدل اعظم الهی می فرمایند:

تأکید بر اینکه هر انسانی باید از آزادی اندیشه و عملی که لازمه رشد فردی اوست برخوردار باشد
سرسپردگی به مسلک فردگرایی را توجیه نمی کند، مسلکی که بسیاری از جنبه های زندگی
معاصر را عمیقاً به فساد کشیده است.

رفاه عالم انسانی

خودپسندی چگونه پیوندهای انسانی را تضعیف میکند؟

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع

۲. مناجات دوم

۳. بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۴. بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵. بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله

۶. قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۹ مهر ۱۳۹۳

۷. پیام مورخ ۱۱ مارچ ۲۰۰۳، خطاب به مشاورین قاه ای در آمریکا، استرالیا و اروپا

۸. تأملی بر صحت روابط انسانی (ویلیام هچر)

۹. هیکل عالم و هیئت آدم

۱۰. حکایت

۱۱. شور و مشورت (به نظر شما خودپسندی چگونه پیوندهای انسانی را تضعیف میکند؟)

۱۲. برنامه نونهاالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۳. انس و الفت

۱۴. مناجات خاتمه

۱- مناجات شروع

هو الله

ای پروردگار، این جمع یاران تواند و به جمال تو منجذبند و به نار محبت مشتعلند. این نفوس را ملائکه آسمانی نما و به نفحه روح القدس زنده فرما. لسانی ناطق بخش و قلبی ثابت عطا فرما قوت آسمانی ده و سنوحات رحمانی بخش و مروج وحدت بشر فرما و سبب محبت و الفت عالم انسانی فرما تا ظلمات مهلکه تعصب جاهلی به انوار شمس حقیقت محو و زائل گردد و این جهان ظلمانی، نورانی شود و این عالم جسمانی، پرتو جهان روحانی گیرد و این ألوان مختلفه مبدل به یک رنگ گردد و آهنگ تسبیح به ملکوت تقدیس تو رسد. تویی مقتدر و توانا.

مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء ص ۲۰۳

۲- مناجات دوم

هو الله

خداوندا آمرزگارا، این مجمع را تایید کن و توفیق بخش تا عالم را به نور اتحاد روشن نماید. شرق و غرب را به پرتو محبت و نور اتفاق منور کند. ای بخشنده مهربان دل ها را به نفثات روح القدس زنده کن و روی ها را مانند شمع افروخته نما تا جهان را نورانی کنند و نفوس را رحمانی نمایند تویی بخشنده و تویی دهنده و تویی مهربان ع

مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء ص ۲۰۶

۳-بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

برتری و بهتری که به میان آمد، عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت . نفوسی که از بحر بیان رحمن آشامیده اند و به افق اعلی ناظرند، باید خود را در یک صُقع و یک مقام مشاهده کنند . اگر این فقره ثابت شود و به حول و قوّه الهی محقق گردد، عالم جنّت ابهی دیده شود . بلی انسان عزیز است ، چه که در کلّ آیه حقّ موجود و لکن خود را اَعْلَم و اَرْجَح و اَفْضَل و اَتَقی و اَرْفَع دیدن، خطائست کبیر . طوبی از برای نفوسی که به طراز این اتّحاد مزینند .

آیات الهی ج ۱ ص ۲۱۶

لازمه انسان، انسانیت است انسان نباید جمیع همّت را در خیال خود مصروف دارد ، باید در تمشیت امور یکدیگر به کمال سعی توجّه نمائید . این است حکم محکم مالک امم که از قلم قدم جاری شده .

آیات الهی ج ۲ ص ۲۴۲

۴-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

انانیت و خودپسندی سبب جمیع اختلافاتست. هیچ آفتی در عالم وجود مثل خودپسندی نیست و آن این است که انسان دیگری را نپسندد و خود را پسندد. خودپسندی عجب می آورد، تکبر می آورد و غفلت می آورد. هر بلائی که در عالم وجود حاصل می شود چون درست تحرّی بکنید از خودپسندی است. ما نباید خود را پسندیم بلکه سایرین را بهتر بدانیم حتّی نفوسی که مؤمن نیستند.

مائده آسمانی ج ۵ ص ۱۳۶

و نیز میفرمایند:

"حُبّ نفس خصیصه ای عجیب و وسیله ای برای تخریب بسیاری از نفوس مهمّه در عالم است. اگر انسان مشحون از صفات مرضیه، امّا خودخواه و متکبر باشد، جمیع فضائل معدوم گردد یا از بین برود و نهایتاً شخص مزبور، تنزّل مراتب یابد."

ترجمه - l-Baha'Abdu' Tablets of، ج ۱، ص ۱۳۶

و در بیان دیگر می فرمایند:

این را بدانید در قلبی که ذره ای نورانیت جمال مبارک هست، کلمه من از لسانش جاری نمی شود؛ یعنی کلمه من که دلالت بر خودپسندی کند. که من چنین و چنان کردم، من خوب کردم فلانی بد کرد. این کلمه انانیت ظلمتی است که نور ایمان را می برد و این کلمه خودپسندی به کلی انسان را از خدا غافل می کند.

گلزار تعالیم بهایی ص ۴۳۳

۵-بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله

بیانات مکرر حضرت عبدالبهاء درباره وحدت و اشتراک مساعی میان یاران، در این اوقات بیش از هر موقع دیگر باید منظور و ملحوظ گردد. هیچ چیز با روح امر، ناسازگارتر از این نیست که اختلاف و ستیز که مُنبعث از خودخواهی و طمع ورزی است؛ حاصل شود. انقطاع صرف و خدمت صادقانه تنها نیروی فعّاله هر مؤمن حقیقی است و مادام که هر یک از یاران این صفات و سجایا را در زندگی عملی خود به کار نبندد؛ امید به پیشرفت و ترقی بیشتر نمی توان داشت.

ص ۱۳ نمونه حیات بهائی ویرایش جدید

۶-قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۹ مهر ۱۳۹۳

رسوخ مادی گرای روح انسان را که مقدر است در اوج عوالم روحانی پرواز کند در حَضِیض مرداب خودخواهی و تمایلات حیوانی اسیر می نماید. این نیروهای منفی مردم را به ستوه آورده بر اشتیاقشان به حقیقت جویی می افزاید و بالمال آنان را به تلاش در جهت یافتن راهی صحیح برای گریز از این وضع مصیبت بار وami دارد. شما عزیزان با الهام از تعالیم حیات بخش حضرت بهاءالله در مقابل این نیروهای مخرب استقامت می نمایید، به این حقیقت جویی پاسخ می گوید و با کمک افراد هم فکر و هم دل در راه بنای اجتماعی صلح دوست و عدالت پرور، خدمت می کنید. الحمد لله که در اجرای منویات مولای خود کوشا هستید. پس با اطمینان کامل به راه خود ادامه دهید. در مقابل قدرت مندان خود پرست، در جستجوی حقیقت و به دنبال کسب علم و دانش باشید. در قبال تعصب و جهالت، عشق و محبت ورزید، اتحاد و یگانگی ترویج نمایید و از هر نوع تعصب احتراز جوید. به جای تسلیم شدن در برابر جلوه های مکتب مصرف گرایی، به حیاتی سرشار از خدمات بی شائبه و صرف منابع خود در راه بهبود اجتماع پردازید و با دیگر علاقه مندان در راه تحقق اهداف عالی هم کاری نمایید

۷- پیام مورخ ۱۱ مارچ ۲۰۰۳، خطاب به مشاورین قاره ای در آمریکا، استرالیا و اروپا:
در کوشش های مداوم تان برای "تهذیب نفوس امم" شما و معاونیتان باید پیوسته بهائیان را از خطرات روحانی توجه بیش از حد بر خویشتن و نفس اماره بر حذر دارید. در جامعه امروزی یک "گرایش بدون وقفه فردگرایی" رایج است که نتیجه نهایی آن اغلب تعلق به نظرات شخصی و خودستایی می باشد. احبّا باید از بروز این گرایشها در خودشان بر حذر بوده و بتوانند "رائحه خودپرستی" را در دیگران تشخیص دهند.

۸- تأملی بر صحت روابط انسانی (ویلیام هچر)
شما و من مانند هر دو فرد انسانی دیگر، دارای نیازی عمیق برای ایجاد رابطه صحیح با یکدیگر هستیم؛ نیازی که دست خداوند در وجود ما به ودیعه گذاشته است. به محض این که ما صورت و مثالی از خداوند را در وجود دیگری تشخیص دهیم، رابطه صحیح از عمق وجود من سرچشمه می گیرد و به عمق وجود شما می رسد. صورت و مثال خداوند در ما عبارت از روح هر یک از ما و قابلیت های فردی معرفت، محبت و اراده است. شناسایی متقابل ارواح ما، ما را قادر می سازد به نحوی مرتبط شویم که هر یک از ما برای نیازهای مشروع طرف مقابل و نه نیازهای شخص خودمان (اعم از مشروع و منطقی یا غیر آن) اولویت قایل شویم. به این ترتیب، نشانه صحت ارتباطی عبارت از محبت صادقانه و غیر خودخواهانه است - بارقه ای که از خداوند نشأت میگیرد و از طریق هر یک از ما به سوی دیگری هدایت می شود. البته می توانیم به بسیاری طرق دیگر هم مرتبط شویم، اما آنها صرفاً انواع متفاوتی از یک زمینه واحدند. هر یک از ما، هر قدر به نحوی ظریف و نامحسوس، نیازهای (تصویری) خود را بر نیازهای دیگری برتری می دهیم. هر زمان که در جریان رابطه ای قرار می گیریم، این نوع خودخواهی تحکیم یافته سبب نفی صحت ارتباط می شود و به تقلب، به رقابت، و تلاش متقابل جهت حصول تفوق میدان می دهد. در رابطه ناصحیح هر یک از ما طالب قدرت است - تا دیگری را وادار کند نیازهای ما را تأمین نماید. به

این ترتیب، روابط صحیح مبتنی بر محبت و روابط ناصحیح بر پایه قدرت است. فرایند برقراری ارتباط صحیح عبارت از گفتگویی صحیح است که در آن به مبادله نظریات (تحرّی مشترک حقیقت) بیان احساسات، و تشریک مساعی می پردازیم.

۱۰- حکایت

در اندونزی درختی به نام «یوپاس» وجود دارد. این درخت سم ترشح می کند و چنان انبوه و پر است که هر گیاهی را که در پای آن رشد کند، نابود می کند. این درخت پناه می دهد، سایه دارد و نابود می کند.

این درخت نماد تعصب است. خودپسندی که همه چیز را برای خود می خواهد بطوریکه مرکز توجه واقع شود. هیچ علاقه ای به کمک به دیگران ندارد، ولی از همه به نفع خود بهره می جوید. درخت «یوپاس» خاصیتی برای اطرافیان ندارد و باعث شکوفایی، رشد و باروری دیگران نمی شود. مهربانم.... من و تو حق انتخاب داریم. می توانیم مثل درخت یوپاس باشیم. «سم خودخواهی» ترشح کنیم. فقط به خود و خواسته هایمان بیندیشیم. در خودخواهی جا خوش کنیم یا این که همزمان با رشد زندگی به دیگران یاری دهیم. می توانی زندگی را در خدمت دیگران باشی، یا با خودپسندی گمراه کننده آن را هدر دهی. یا باید از مردم سوء استفاده کنی یا با آنها دوست شوی. هر دو با هم ممکن نیست.

... در مقابل درختی بود به نام درخت آرزوها! درختی تنومند و کهنسال با شاخ و برگ های زیاد مردم دهکده به آن درخت آرزوها می گفتند آنها اعتقاد داشتند اگر میخی به آن درخت بکوبند به آرزوهاشان میرسند. از قدیم این کار توهم را مرسوم شده بود غافل از این که با این کار آرزوهای خودشان را مانند میخی به درخت می کوبیدند و شاید دست نیافتنی شان می کردند.

پس از سالیان دراز درخت آرزوها پر شده بود از میخ های ریز و درشت اهالی روستا. دیگر تحمل نداشت دیگر خسته شد از این که مردم دهکده برای خواسته ای یک میخ بر آن بکوبند پر شده از بی رحمی آرزوهای دیگران و این چنین روزی عمرش پایان یافت و قربانی آرزوهای دیگران شد آن درخت هم روزی نهالی بود جزیی از آرزوهای طبیعت و حالا طبیعت هم از سنگدلی انسان ها

در امان نماند. شاید درخت آرزوها می توانست نامش را در رکورد ها ثبت کند اما شرمنده از نیت اهالی آن دهکده. ای آدم هایی که در این دنیا زندگی میکنید! برای رسیدن به خواسته ها یمان نیازی نیست به دل کسی سنگ بزنیم از حقوق هم بگذریم و یا بر درختی میخ بکوبیم! مطمئن باشیم چیزی که با صبر و تلاش پیش رود روزی دست یافتنی خواهد شد. با کوبیدن میخ و افکار منفی و غلط آنها را دست نیافتنی نکنیم. اجازه دهید آرزوهایتان رویاهایتان حرکت کنند و مانند هر قاصد کی به سرزمین آرزوها برود تا روزی بر آورده شود.

نویسنده: شری چینموی (کانال تلگرام اندیشه)

۹-هیکل عالم و هیئت آدم

به قلم: دکتر فریدون رحیمی

ضرورت رابطه "من" با "ما"... بگذارید ابتدا از کلمه ما آغاز سخن کنیم. "ما" مفهومی پویا ، خلاق و سازنده و وحدت بخش است و پر محتوا، ولی در دنیائی که «من» و «خود» و «خودم» بیش از هر چیز در مکالمات و مباحثات به کار میرود (در دنیائی که خودخواهی و خودپسندی و خودشیفتگی غلبه دارد) در زمانی که خودبینی و خودستائی ترویج و تبلیغ میشود، در دنیائی که من و آن چه من می گویم و آن چه من میخواهم هدف زندگی میشود، در دنیایی که من بر ما مستولی می شود دیگر مفهوم زیبای "ما" یا "ما همه" به حاشیه رانده می شود و ظالمانه مورد بی مهری قرار می گیرد. «ما همه» در این بحث یعنی ارتباط و اتحاد ضروری بین همه نژادها، همه ملت ها، همه ادیان، همه فرهنگ ها، همه طوائف و همه اهل عالم.

با قبول کلمه همه در این مفهوم دیگر «من» نمی تواند من بماند ، یا بهتر باشد یا والا تر . وقتی «همه» می آید «من» هم با «همه» همراه میشود «من» در آغوش همه قرار میگیرد. «من» دیگر تنها و یگانه و تک نمی ماند «من» جزئی از همه میشود و چون چنین شد، پویا و پابنده میشود، مؤثر و متأثر میشود. چون «من»، "همه" میشود برگی میشود بر درخت زیبای انسانیت، برگی که جلوه اش در بر شاخه بودن است نه از شاخه فرو افتاده و بر خاک نشسته. من عضوی وابسته به

همه بدن میشود، عضوی که زیبایی و طراوت زندگیش وابسته به ارتباط محکم آن به همه بدن است. عضوی که در تبادل و داد و ستد متعادل و متقارن با همه هیکل انسانی است. به کل بدن خود بنگریم، این نه یک عضو است بلکه اعضاء بهم پیوسته است که هیکلی زیبا می سازند، کمال و زیبایی بدن در همه بودن اعضاء با هم است. تصور کنید که همه بدن فقط یک عضو بود و آن یک عضو خود را «من» می نامید چه هیکل نامناسبی به وجود می آمد! ولی وقتی همه اعضا با هم میشوند چه جمالی و کمالی خلق میشود. وقتی «من»، «همه» میشود آن وقت است که ارتباط برقرار میشود و ارتباط یعنی عشق، یعنی جاذبه، یعنی همکاری، یعنی همراهی، یعنی همراهی، یعنی وحدت، یعنی پیوستن «من» به "ما"